

در صفحه ۱۲ بخوانید...

- معاصران غربی این جهان | مسعود رفیعی طالقانی
- همیشه جای یک نفر برای خودتان باقی بگذارید! | علی یگدلی
- بدهی های معنوی؛ مسئله ذهنی امروز | مصطفی و حماد دوست
- ...

رسانه ها عامل ترویج فرهنگ گفتگو

در دنیای مدرن هر واژه ای تعریف جدیدی از خود را نه داده است و از این نظر برای هر واژه می توان با توجه به متنی که در آن قرار دارد تعریف گسترده ای ارائه داد. اما آنچه در تعریف امکان عملیاتی شدن دارد...



گفت و گو عقل محور و نیاز به حفظ حرمت انسان

اصل اولیه برای یک گفتگو مشروعیت قابل شدن است. بر این اساس وجود طرف گفتگو گویا است در غیر این صورت تبادل کلامی صورت گرفته...



بحث هایی پیرامون فرهنگ گفت و گو و گفت و گوئی انتقادی در جامعه ایران

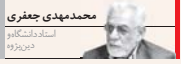
چرا با هم حرف نمی زنیم؟



یادداشت ۱

گفت و گوئی انتقادی و نصیحتی دلسوزانه

گفتگو (ع) در نهج البلاغه می فرماید: حقی که من سر شما دارم این است که شما را نصیحت کنم و آنچه خیر است را بگویم و شما را به راه راست هدایت کنم و حقی که شهروندان بر من دارند این است که چه در حضورم و چه در پشت سرم مرا نصیحت کنند و اعمال من را بررسی کنند. این نصیحت کردن دقیقاً به موضوع انتقاد برمی گردد که حضرت علی(ع) از مردم خواسته تا با انتقادهای خود راه درست تر را به او نشان دهند. البته انتقاد باید با اندیشه صورت گیرد و با بررسی همه جانبه نقاط ضعف و قدرت بررسی شود. پس گفتگو اگر به قصد خیرخواهی باشد می تواند مفید واقع شود و جامعه را در مسیر درست پیش برد اما اگر به قصد عیبجویی و مع گیری باشد، بدون شک رسوایی، تنها نتیجه آن خواهد بود که باعث تنش و فاصله خواهد شد. اما در هر صورت باید قبول کرد که فرهنگ گفتگو مثل خیلی از پدیده های اجتماعی در جامعه ما جدید است. اگرچه گفتگو و تعامل از ابتدای تاریخ وجود داشته اما شکل جدیدی که نقد خیرخواهانه باشد، یک پدیده نوظهور است و هنوز خیلی ها بصورت کامل با آن آشنا نیستند. معنی انتقاد را نمی دانند. همین اتفاق هم باعث می شود تا گفتگو در مسیر درست خود حرکت نکند و باعث سوء تفاهم های اجتماعی زیادی شود که نهایتاً مشکلی را حل نمی کند بلکه به مشکلات دامن می زند. در جامعه نیاز است تا گفتگوئی استهلاکی و نقدی به صورت یک جریان فرهنگی درست دربیاید تا هم مشکلات حل شود و هم به آگاهی افراد افزوده شود.



یادداشت ۲

پایان دوره گفت و گوهای یکطرفه

داده شود. وقتی پالیسی افکار ایجاد و در عقاید مردم نفوذ می شود، این امکان ایجاد می شود که افراد از آزادی دیدگاه های خودشان رایان کنند. دومین مانع بر سر راه گفتگو مطلق انگاری است. مطلق انگاری یک ویژگی روشنائی است که افراد است و پیام جیمز معتقد است اگر فردی ادعای این را داشته باشد که دستیابی به حقیقت امکان پذیر است و هنگام دستیابی به آن می توان از آن باخیر شد. در واقع این فرد دچار مطلق انگاری می شود. این ویژگی بیشتر حاصل آن است که وقتی فرد به نتیجه ای دست یافت احساس کند به حقیقت رسیده و خود را برحق بداند. در برابر تکرار دیگری وجود دارد که هر چند دستیابی به حقیقت را امکان پذیر می داند ولی به آن اطمینان ندارد، به این بیان که مطمئن نیست آن چه به آن دست یافته عین حقیقت است. این تکرار زمینه را برای توجه به اندیشه های دیگران فراهم و در نتیجه اندیشه ها برمی گردد. گفتگو در شرایطی که سر راه گفتگو، انحصارگرایی است. انحصارگرایی به این معناست که فرد ادعای تملک حقیقت داشته باشد، یعنی به این باور برسد اندیشه درست آن چیزی است که او به آن فکر میکند. این انحصارگرایی باعث می شود تا عده ای خاص، دستیابی به حقیقت را از آن خود داشته و دیگران را از آن محروم کنند. گفتگو در شرایطی رخ می دهد که کسانی باشند که در برج علاج ادعای تملک انحصاری حقیقت را نداشته باشند. چنین کسانی در برابر افکار و دیدگاه های دیگر معصوم نمانند و در نتیجه نظرات دارند دیگران از آن بیرون می آید. در حالی که یکی از شرایط گفتگو و روانی است به این معنا که نظر مخالف هم دیده شود و در راه آن صورت گرفته. چهارمین مانع هم به موضوع مرز بندی اندیشه ها برمی گردد. گفتگو در شرایطی که اندیشه مرز بندی شده، نتواند اتفاق افتد. مرز بندی اندیشه به معنی مرزهای مشخص و سکولار دارد. هر چند بسته شدن باب گفتگو را در پی دارد. موانع گفتگوئی تفکر را اجتناب می دهد. به صورت خاص به زنده بماند. موانع گفتگو را در پی دارد. موانع گفتگوئی تفکر را اجتناب می دهد. به صورت خاص به زنده بماند. موانع گفتگو را در پی دارد. موانع گفتگوئی تفکر را اجتناب می دهد. به صورت خاص به زنده بماند.

دگر هراسی مانع گفت و گو

در این صورت گفتگو غیر ممکن است و مسیر می بندد و می خواهد گفتگو را از سر راه بردارد. این ویژگی البته تازگی است و ریشه های اجتماعی دارد بنابراین می شود تحلیل کرد. در حوزه روشنائی اجتماعی باز کرد. یکی از چیزهایی که سر راه گفتگو در ایران قرار دارد دگر هراسی است. دیگری نقش این را ندارد که بشود با او سالمتر آمیز زندگی کرد و حرف زد زیرا ما در طول تاریخ در معرض تاخت و تاز قدرت های بیگانه بودیم. کشور ما همواره مورد تاخت کشور های قدرتمند است. در جامعه ایران وجود چنین عوارضی است که برای پیشگیری از آن باید اقدامات لازم را در نظر گرفت. این عوارضی است که در جامعه ایران وجود دارد و مانع از گفتگو می شود. این عوارضی است که در جامعه ایران وجود دارد و مانع از گفتگو می شود. این عوارضی است که در جامعه ایران وجود دارد و مانع از گفتگو می شود.



هر چیزی آداسی دارد و اگر بخوایم آداب گفتگو را چک و بسنجیم بر سرسی کنیم. اولین ویژگی اش این است که فرآیند دو طرفه است. این نوعی می تواند دو شخص باشد که در جریان اجتماعی و در هر حالی گفتگو یک پدیده دوسویه است. دوسویه بودن به این معناست که طبعاً در گفتگو یک روند رفت و برگشت اطلاعات رخ دهد و دو نفر بگویند و بشنوند. وقتی قرار است گفتگو رخ بدهد باید بپذیریم که دوسویه بودن در گفتگو و شنیدن و رد کردن و نقد کردن دارند و اگر چنین چیزی وجود نداشته باشد، این است که هر دو طرف باید قدرت پذیرش این را داشته باشند که گاهی منتظر طرف مقابل را بپذیرند و از حرف خودشان دست بکشند. اگر در

عکس: مهدی جعفری